



## هنر از نگاه ملاصدرا/ ملاصدرا به هنر صبغه معنوی داد

ملاصدرا به هنر، به صورت عام و فراگیر می نگرد و به آن صبغه معنوی و قدسی می دهد. از آنجا که هنر و صنایع لطیفه را با عشق عفیف و زیبایی شناسی معنوی پیوند می زند، هدف از آن را رسیدن به معشوق حقیقی و زیبایی های ملکوتی تلقی می کند.

خبرگزاری مهر- ملاصدرا به هنر، به صورت عام و فراگیر می نگرد و به آن صبغه معنوی و قدسی می دهد. از آنجا که هنر و صنایع لطیفه را با عشق عفیف و زیبایی شناسی معنوی پیوند می زند، هدف از آن را رسیدن به معشوق حقیقی و زیبایی های ملکوتی تلقی می کند.

نگاه ملاصدرا به هنر و تلقی او از آن، یکی از ابعاد عرفان ملاصدرا و یکی از ساحت های عرشی فلسفه او به شمار می آید. وی در این نگاه، هنر و زیبایی شناسی هنری را به مثابه بستری دانسته است که در آن، زمینه های نیل به عشق حقیقی و زیبایی شناسی معنوی و ملکوتی برای یک قوم یا ملت یا امت فراهم می شود. وی ابتدا، به صورت مجمل و سر بسته، تعیین می کند که هنر زمینه ها، و دور نمایه هایی دارد که اگر به آنها توجه شود، نوعی بستر عمومی برای تهذیب نفس و سلوک نفسانی را در عرصه اجتماعی فراهم می کند که کاملاً با فرایندهای عشقی و زیبایی شناسی پیوند خورده باشد.

سپس به رخدادهای درونی عشق می پردازد و نقش عاشق را به مثابه هنرمندی نقش آفرین آشکار می کند. ملاصدرا بیان می کند که چگونه عاشق، هم باید زیبایی شناس، هم توانا و مستعد در کشف زیبایی ها، هم برخوردار از قوه خیال و تخیل در نهایت، قوه خلاقیت باشد تا در مجموع بتواند صورت معشوق را در خیال خود و در حقیقت، در لوح قلب خود خلق کند.

نگاه ملاصدرا به هنر، عمیق و بدیع و نیز بسیار جلوتر از زمانه و مقتضیات عصر خود بوده است. وی از آنچه امروزه با نام هنر و فنون هنری شناخته می شود، با عنوان «#171; صنایع لطیفه» یاد کرده و آن را از ریاضیات، آداب نیکو، علوم ادبی، و صنایع دقیقه متمایز می کند.

همچنین، مصادیق بارز آن را اشعار لطیف موزون، نغمه ها، قصه ها و حکایت های عجیب و غریب می داند. علوم دقیقه نگاه های زیباشناسی را در عرصه عمومی و اجتماعی می گستراند. از طرف دیگر، این نگاه ها خود زمینه هایی اجتماعی و فرهنگی می شود که به سبب آن ها، علوم دقیقه و لطیفه به نسل های آینده انتقال داده می شود، در حالیکه بسط و توسعه نیز می یابد.

ملاصدرا به هنر، به صورت عام و فراگیر می نگرد و به آن صبغه معنوی و قدسی می دهد. از آنجا که هنر و صنایع لطیفه را با عشق عفیف و زیبایی شناسی معنوی پیوند می زند، هدف از آن را رسیدن به معشوق حقیقی و زیبایی های ملکوتی تلقی می کند و در واقع برای هنر، جایگاهی ارزشی و معنوی و قدسی قائل است. ملاصدرا در نظریه خود درباره هنر، به تفکیک هنر ارزشی و معنوی و پاک از هنر ضد ارزشی و آلوده و ناپاک پرداخته است. در اسفار نیز زمانی که به بیان مصادیق لطیفه می پردازد، با آوردن وصف «#171; طیب» آهنگ، آوازهای پاک را از آوازهای آلوده تفکیک کرده است.

در نگاه ملاصدرا، هنر با زیبایی پیوند خورده است؛ زیرا از دید وی، ذات هنر یعنی هنر به طور مطلق در هر فرهنگ و تمدنی، اعم از شرقی یا غربی، زمینه ساز عشق می شود و عشق نیز حاصل زیبایی شناسی و مواجه شدن با حسن صورت زیباست. رویکرد ملاصدرا به هنر و صنایع و فنون هنری، رویکردی کارکردگرایانه است و عشق عفیف را کارکرد بنیادی و اصلی هنر دانسته است.

وی عشق را التذاذ شدید می داند که حاصل مواجهه زیبایی شناسی است و همچنین عوامل مختلفی از جمله هنر را مبدأ و زمینه ساز عشق معرفی می کند. در حقیقت او، کارکرد اصلی هنر را برانگیختن و بیدار کردن حس زیبایی شناختی انسان می داند. بنابراین، به طور صریح، محبت مبتنی بر غریزه جنسی را از محبت عشقی تفکیک کرده و آنگاه، هنر را زمینه ساز محبت عشقی تلقی می کند. ملاصدرا ثمره و کارکرد هنر را بسیار فراگیر می داند. وی در این زمینه اعتقاد دارد که در امت ها و جوامعی که امکان تعلیم و تربیت و تعلم علوم ادبی و ریاضی و هنری برای آنان فراهم است، اکثریت افراد واجد عشق لطیف هستند.